

دبیر کمیته کردستان محمد آستگران
Tel: 00491635112025
E-mail: moasangaran@googlemail.com

۷۱۳

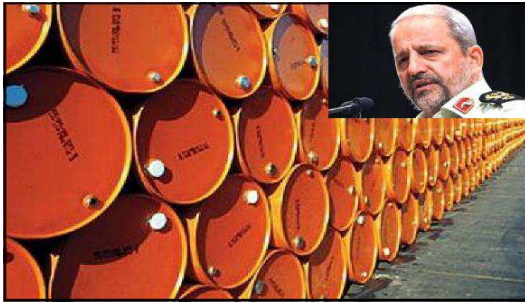
ایسکرا

Tel: 0046720077654 تلفن تماس با ما

۱۶ بهمن ۱۳۹۲، ۵ فوریه ۲۰۱۴

سردبیر عبدال گلپریان

پلیس نفت فروش



عبدل گلپریان
اسماعیل احمدی مقدم، فرمانده نیروی انتظامی ایران، می‌گوید پلیس ایران "به توصیه محمود احمدی نژاد"، رئیس جمهوری پیشین، اجازه داشته است برای "تامین کسری بودجه" خود نفت بفروشد.

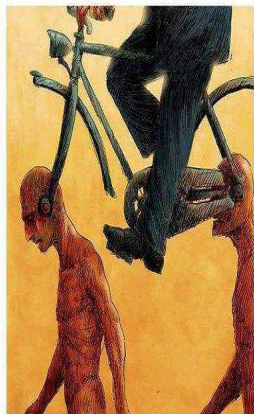
صفحه ۲

از تظاهرات معلمان سلیمانیه حمایت کنیم حزب کمونیست کارگری چپ عراق

صفحه ۶

تزمه کاره و چند منظوره فلسفی، اخلاقی، اجتماعی اقتصادی و سیاسی جنسیتی!

سهند



حضور دختران و زنان در محیطهای کارمانند مراکز تولیدی، خدماتی، مختلط نمودن مراکز کسب تحصیل علم و دانش، دخالت کردن آنان به شکل گسترده در بخش امورات اجتماعی، صنعت آب و برق، حمل و نقل، زیبا سازی و آراسته کردن محیط زندگی از نظر استفاده از طرح و ایده های زیبای شناسی زنان، معماری

این متن کوتاه قبل از اینکه حساسیت برسر جایگاهها باشد، درجه حساسیت بین قضاوت ناموس پرستان و بی ناموسها را به نمایش می گذارد!! امیدوارم هر دو طیف بدون تعمق و تحقیق نخوانده، دسته ی اول مهر باطل را بر روی مطلب نکوبند و دسته ی دوم هم مبحث را دست کم نگیرند؟! بسیار با دقت بخوانید متشکرم.

صفحه ۳

۲۷ کارگر چادرملو با اعتراض کارگران آزاد شدند

مبارزه خود شدت دادند، در مقابل شورای تامین استان و اداره کار اردکان و فرماندار مرتجع این شهر ایستادند و خواهان آزادی فوری ۲۸ کارگر بازداشتی و بازگشت همه آنها به کار و همینطور افزایش دستمزد و اجرای طرح طبقه بندی مشاغل شدند و

شده بودند بدلیل تداوم اعتصاب و تحصن دوهزار کارگر این معدن آزاد شدند. بهرام حسنی نژاد همچنان در زندان است. کارگران معدن چادرملو که از یک ماه و نیم قبل برای افزایش دستمزد و در اعتراض به اخراج بهرام حسنی نژاد دست به اعتصاب و تجمع زده بودند، به

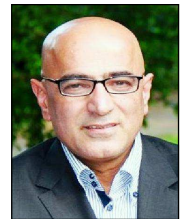
صفحه ۲

صفحه ۲

چون یک زن است، "علم قاضی" او را مجرم میدانند زمینه قتلش را فراهم میکنند!

دولت و سبد کالاها!

اصلی ترین محورها و چالش کارگران با دولت و کارفرما است. کارگران خواهان افزایش حداقل دستمزدها در شکل نقدی هستند. سبد کالاها، پروژه ای از جانب دولت و نهادهای حکومتی و سیاسی برای توجیه ایجاد سد و مانع در برابر افزایش نقدی دستمزدها است. در شرایط کنونی که توده میلیونی وسیعی از کارگران و خانواده ای آنها برای تامین معیشت به افزایش نقدی دستمزدها نیاز فوری دارند، سبد کالاها تکه پاره کردن حداقل دستمزدها است. زمزمه حذف یارانه ها با اتخاذ سیاست اقتصادی سبد کالا توسط رسانه ها، پیش زمینه اجرای سیاست جدید ریاضت کشی اقتصادی و در واقع به انقیاد کشاندن بیش از چهار میلیون از حقوق بگیران و خانواده هایشان در جامعه است. هزینه مالی سبد کالاها آن بخش از حقوق های پرداخت نشده کارگران است که توسط دولت و سازمانهای تامین اجتماعی به شیوه های مختلف از جیب کارگران و مزدبگران جامعه گرفته شده است.



نسان نودینیان

فایشیم اسلامی چهره واقعی نظام جمهوری اسلامی است. دولت نهم و دهم با حذف "بن کالاها" و سرازیر کردن گونی های رایگان سبب زمینی در اعمال بیشترین بی حرمتی و توهین به کرامت میلیونها نفر از مردم در ایران چهره فاشیستی و ضد انسانی این نظام را به نمایش گذاشت. و دولت یازدهم با سبد کالاها ادامه دهنده راه همین راه است. در روزهای ۱۲ و ۱۳ بهمن ماه ما شاهد دلخراشترین صحنه ها بودیم. ازدحام شلوغ زنان و مردانی که در سرمای زیر صفر درجه برای گرفتن سبد کالاها، صف کشیده بودند. دولت روحانی در شرایطی سیاست سبد کالاها را در پیش گرفته که افزایش دستمزدها یکی از

نگاه هفته مجموعه ای از رویدادهای هفته در شهرهای کردستان / نسان نودینیان

میریوان اقدام محمد علی محمدیان اولین الگو نیست. اعتراض زنان سرخ پوش میریوان در اقدامی ابتکاری علیه مزدوران اداره اطلاعات این شهر و پوشاندن لباس زنان به تن یک نفر که "مجرم" شناخته شده بود، با انعکاسی بین المللی مورد استقبال قرار گرفت. تیترهای خیابانی، فستیوال

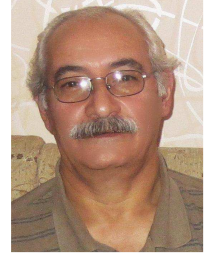
محمد علی محمدیان در شهرهای کردستان به چهره شناخته شده ای تبدیل شد. او معلم دلسوزی است که با اقدامی ابتکاری (قصد همدردی با شاگرد خود، ماهان که به دلیل مبتلا بودن به نوعی بیماری موی سرش ریخته است، وی نیز سر خود را تراشیده بود). الگوی این معلم دلسوز در کانالهای تلویزیونی آلمان هم منعکس شد. در شهر

صفحه ۴

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱

پلیس نفت فروش



احمدی مقدم، دهم بهمن ماه، در جمع خبرنگاران گفته است سال گذشته آقای احمدی نژاد "جلسه‌ای را برگزار کردند و کسری اعتبار در قالب فروش يك محموله نفتی به ناچا واگذار شد و محموله نیز به فروش رفت و در قالب ۱۱ درصد کسری اعتبار، تامین شد". او در عین حال از کسانی که اطلاعات در مورد این موضوع را فاش کرده‌اند انتقاد کرده و می‌گوید "زیبا نبود در شرایط تحریم که همگی به دنبال راه حل هستند، راهکارها و مسیرها فاش شود". اشاره رئیس پلیس ایران به انتشار این موضوع در گزارش تفریح بودجه است که به گفته او نام نیروی انتظامی "در کنار مفسدان" قرار داده شده است.

.....

بکار گیری اسامی نظیر "تامین کسری بودجه"، "کسری اعتبار"،

"تفریح بودجه" و غیره، اسامی پرطمطراقی است که سران اسلامی برای مشروعیت بخشیدن به چپاول بکار می‌گیرند. به این میگویند غارت و دزدی از ثروت و سرمایه مردم. این اعترافات دیگر اعترافات نیست بلکه نرمی از چپاول مستی گردنه بگیر در جغرافیایی بنام ایران است که در آن هر باند و هر دارو دسته ای در اطراف و اکناف سرشان به دزدی های میلیاردی گرم است. بنا به گفته سرکرده یکی از این باندها بنام احمدی مقدم در نهادی بنام نیروی انتظامی، پلیس ایران به توصیه احمدی نژاد به فروش هستی مردم مشغول بوده است تا جواب لازم را به "برادران قاچاقچی سپاه در بنادر جنوبی کشور داده باشد".

این نمونه ای از رقابت در دزدی های کلان این باندها در سیستمی بنام جمهوری اسلامی است.

کجای این دنیا می‌توان چنین نمونه ای از هرج و مرج، حتی در دزدیهای کلان را مشاهده کرد؟

نظام و سیستم سرمایه داری از بدو موجودیتش برای کسب سود و استثمار مزدبگیران قوانینی را برای چپاول نیروی کار وضع و تا به امروز بر اساس این قوانین که به اصطلاح به نرمی متعارف و ظاهرا محکمه پسند تبدیل شده است، از قبل نیروی

کار و بنام قانون دزدی می‌کند. در نظام اسلامی اما حتی از این بردگی مزدی هم خبری نیست بلکه يك گردنه بگیری آشکار در جریان است که با نام خدا، اسلام و اراجیف قرون وسطایی انواع باندهای مسلح و آدم کش تحت عنوان "پلیس، سپاه، بسیج، مساجد، حوزه های پرورش تروریسم و غیره شب و روز سرگرم غارت و دزدی هستی مردم هستند. اظهارات احمدی مقدم نمونه ای تیییک از این نوع است.

این بربریت و این ننگ جامعه بشری را تنها با انقلابی اجتماعی برای ساختن جامعه ای انسانی می‌توان خاتمه داد.

این نظم و امنیت را باید برهم زد!

محسنی اژه‌ای سخنگوی قوه قضائیه و دادستان کل حکومت اعلام کرد: "این دستگاه با افرادی که به اسم اعتراضات صنفی اقدامی برخلاف نظم عمومی و امنیت ملی انجام بدهند برخورد می‌کند"

نظم عمومی در سیستم حکومت اسلامی یعنی برهم خوردن شیرازه استثمار کارگران. نظم عمومی بروایت قوانین و خزعبالات باندهای اسلامی حاکم بر ایران یعنی

از صفحه ۱

۲۷ کارگر چادرملو ...

بالاخره امروز با آزادی ۲۷ همکار خود و قول آزادی بهرام حسنی نژاد به سر کار بازگشتند.

حزب کمونیست کارگری آزادی کارگران معدن چادرملو را تبریک میگوید و کارگران را به تداوم اتحاد و مبارزه برای آزادی

بهرام حسنی نژاد و پیگیری مطالبه افزایش دستمزد و سایر خواست هایشان فرامیخواند.

حزب کمونیست کارگری ایران ۱۴ بهمن ۱۹۹۲، ۳ ژانویه ۲۰۱۴

اسلامی امنیت ملی یعنی عدم امنیت برای کل جامعه و برقرای آرامش مطلق و ایجاد آسودگی خاطر برای آیت الله های میلیاردر.

کارگران و تمامی مزدبگیران جامعه با اعتراضات و اعتصابات قدرتمند خود برای تامین يك زندگی انسانی حق دارند و باید "نظم عمومی و امنیت ملی" اژه ای را بر هم بزنند و پوزه دسته جات و

باندهای حکومت اسلامی را بخاک بمانند. برهم زدن نظم عمومی چپاولگران مردم و عدم امنیت برای این از گور برخاستگان امر هر روزه کارگران و مردم است. بر هم زدن نظم خصوصی و ایجاد نا امنی برای يك درصدی های حاکم بر ایران حق مشروع و بی چون و چرای کارگران و کل جامعه است.

به انقیاد کشاندن میلیونها کارگری که ماهها حقوقهایشان پرداخت نشده باشد. نظم عمومی در قاموس مرتجعین اسلامی یعنی دم بر نیاوردن و گرسنگی کشیدن. نظم عمومی برای اوباشان اسلامی یعنی تباهی، بیکاری و محروم نمودن کارگران از ابتدایی ترین حقوقی که توسط مفتخوران اسلامی به گرو گرفته شده است.

ترجمان امنیت ملی در قوه قضائیه یعنی تامین امنیت برای دزدان و لاشخورهای سران ریز و درشت اسلامی، یعنی اعتراض کارگران برای حقوق پایمال شده شان موقوف، یعنی بگذارید جمهوری اسلامی در نهایت امنیت میلیار میلیارد از هستی مردم و استثمار کارگران را به جیب بزنند. در قوانین

هیچ مشکلی از همه اتهامات تیرنه میشود و اکنون آزاد است.

فرزانه بعد از محکومیت به اعدام و بعد از چند سال، اعلام میکند که قاتل نیست و قتل توسط دوستش سعید انجام گرفته است. طبق گفته وکیل پرونده و اخباری که در این مورد منتشر شده است، اسناد و تحقیقات کامل نبوده و قاضی نمیتوانسته با استناد به اسناد و مدارك حکم را اعلام کند، پس در اینجا "علم قاضی" وارد ماجرا میشود یعنی احساس قاضی بدون سند و مدرک و چون احساسات قضات در ایران همگی ضد زن است و زن را در آن مملکت با قوانین کذایی و ایدئولوژی اسلامی آدم حساب نمیکنند و بویژه از زنانی که بهر دلیلی سنتها را زیر پا گذاشته و کاری خلاف شئونات اسلامی و خلاف تمکین کردن و سوختن و

ساختن انجام داده باشند انتقام میگیرند، علم قاضی در این مورد حکم به قاتل بودن فرزانه داده است.

دستگاه قضایی جمهوری اسلامی در صدد بود در سکوت کامل فرزانه را بکشد. علنی شدن پرونده و عطف توجه افکار عمومی باعث شده که اکنون موضوع رسانه ای شود و بارقه امیدیدی برای نجات فرزانه وجود داشته باشد.

آخرین خبر از ایران اینست که فعلا فرزانه يك ماه فرصت دارد و وکیل او میگوید در این يك ماه عملا نخواهد توانست بی گناهی اش را اثبات کند. پس باید فشار آورد و مانع اجرای حکم شد.

کمیته بین المللی علیه اعدام، اعدام را قتل عمد دولتی دانسته و خواهان ممنوعیت اعدام در همه جا است. در ایران هیچ دادگاهی عادلانه نیست و سیستم قضایی این

و میتوانند زن را مجبور به زندگی و تمکین کنند، همسرش فرزانه را مجبور میکند با او زندگی کند. فرزانه ۱۹ ساله بوده که عاشق سعید میشود. يك رابطه دیگر و در نهایت، ایده قتل همسر رسمی اش مطرح میشود و همسرش به قتل میرسد. این پرونده یکی از دهها و صدها پرونده همسر کشی در ایران است. تقریبا همه شبیه به این ماجرا هستند، عدم علاقه زن به ادامه رابطه، عدم وجود حق و امکان طلاق، دوست شدن با يك فرد دیگر و قتل همسر! او دستگیر میشود و خودش میگوید برای نجات جان دوستش سعید، قتل را به تنهایی به عهده میگیرد. ۶ سال قبل در يك دادگاه فرزانه محکوم میشود و سعید بدون

چون یک زن است، "علم قاضی" او را مجرم میداند و زمینه قتلش را فراهم میکنند!

فرزانه مرادی، اکنون در بیمارستان بستری است و بقول خرمشاهی وکیلش "زیر سرم" است. او یکشنبه ۱۳ بهمن تا پای چوبه دار رفت و از وحشت لرزید و فریاد زد و ضجه زد و زیر پای پلر همسر به قتل رسیده اش افتاد و از او يك ماه فرصت گرفت تا بی گناهی اش را اثبات کند.

فرزانه کیست؟

او يك دختر جوان ۱۵ ساله بود که مجبور به ازدواج با یکی از اقوام خانوادگی اشان میشود. ازدواج اجباری يك کودک ۱۵ ساله آغاز این تراژدی است که اکنون شاهدش هستیم، فرزانه ۱۶ سال داشت که فرزندش را به دنیا آورد. يك دختر که اکنون رژیم انسانکش اسلامی پای

از صفحه ۱

تازه کاره...۵

مدیریت جامعه بلحاظ پرداخت وزنده کردن میلیاردها ایده دفن شده وانتقال بخش حساس کار در جامعه به آنان، وبلاخره دخالتگری در سایر عرصه های اجتماعی فرهنگی، اقتصادی و سیاسی وغیره، تاثیر مثبت و آتی در ابعاد گسترده وغیر قابل باور بر جامعه خواهد گذاشت!

نقش ارزنده نصف دیگر از پیکره بشریت یعنی زنان در بالا بردن راندمان کارهای اقتصادی، اجتماعی و سلامت روانی بر بخش دیگر، یعنی مردان وعلاقه مند شدن به نقش واقعی ولذت بخش به مفهوم کار و زندگی، باور به توان و خلاقیتهای نهفته در همدیگر، عشق ورزی وتبادل در این مرادوه اجتماعی وخنثی نمودن انگیزه سواستفاده توهین آمیز جنسی مردان نسبت به زنان، بهره وری ودست یابی به ناشناخته ها، لذات زندگی مشترک انسانی در تولید را به معنای واقعییش در جامعه به نمایش خواهد گذاشت!

تلاش برای این اقدام مهم ضمن اینکه يك اصل انسانیت، شدمی، ضروری، راحت وممكن است ونیاز به سپری شدن زمان ندارد. این تحول در بیش از يك قرن است كه همنوعان ما به خدمت گرفته واز این طریق جامعه مورد نظر شان را ساخته اند. تازه آنان به این وضع هم معترض هستند! در کشورهای عقب نگه داشته شده، يك بخش از این پدیده ی غیر انسانی برمی گردد به فضای بسته سیاسی، فرهنگی واعتقادی منظور (مالکیت خصوصی وسود پرستی، مرد سالاری ووجود چیزی مانند مسئله ناموس وبرتری وتقدس جنس مرد در هر شرایطی ودر عین حال اهانت به کرامت زن و...) بخشی نیز در قالب شکل یافتگی سیاسی وسازمان دادن پدیده ارتش بیکاری در راستای کسب سود ناشی از پائین آوردن سطح توقعات ومحتاج نمودن بیش از دو سوم انسانها به نان، اعم از زن ومرد كه ۷۵ درصد آن دو سوم زنان می باشند در نتیجه باید علت این تراژدی را در چنین سیاستهای ضد انسانی طبقاتی دنبال کرد و دانست كه فرای تبعیض جنسیتی بحساب می

قید اسارت، يك واقعت طبقاتیست وبیاد از زاویه سیاسی به آن نگرست. خواست ومطالبات زنان قرار گرفتن در مقام وزیر وسفیر نیست! تغییر جایگاه زن بر مرد از نظر اقتصادی ومدیریتی نیست! خواست زنان رهایی كامل از هرگونه ستم جنسی، ملی، نژادی وطبقاتی وكسب موقعیت انسانی شان است. بهر حال: به موضوع برگردیم.

چند نمونه ای از مراکز تك جنسی ومردانه، خشن و خطرناك با هزاران عارضه غیر انسانی، تیتیر وار برایتان بازگو می كنم تا بیشتر به واقعتهای راز زندگی انسانی نزدیک شویم.

۱- بیشترین مراکز كار وتولید مردانه اند!؟

۲- مراکز نظامی وجبهه های جنگی تماما مردانه هستند سرباز خانه ها خالی از دختران سرباز می باشند!! (البته این مسئله خود جای بحث دارد.؟) مقرهای نیروهای چریکی ۹۹% قهرمانان مردند!

۳- جداسازی جنسی در مراکز تحصیلی اعم از مدارس، دبیرستان ودانشگاهها، درزیر تحلیل حجاب قانون در موردشان وضع شده!!

۴- بازداشتگاهها وبندهای زندانها

۵- اردو وگاهای كار اجباری زیر مجموعه جرائم اجتماعی

۶- خوابگاههای دانشجویی و رهروهای تفریحی وتحقیقی وبعضی از مكانهای نمایشگاهها وغیره

۷- مراکز شنا، كنار دریا و استخرها

۸- مشاغلی مانند حمل وتقل عمومی (تاكسی، اتوبوس واز دو جانب (حامل ومحمول)؟

۹- انواع سالن های ورزشی، فوتبال وسایر ورزشهای جمعی والا آخر... تماما مردانه بی ریخت وقواره ومرده فضای بی علاقگی ودهها گونه از این قبیل جدا سازیهها، ساختن پرداختن، شكل دادن به چنین دسته بندیهای جنسیتی، قدامی هستند برای باز تولید برتری بخشی بر بخش دیگر جامعه.

منظور مردان بر زنان! اما در قالب تأمین به اصطلاح زندگی یا اداره امور خانواده واز این قبیل توجیهات منفعت طلبانه! از طرف دیگر رسمیت بخشیدن به نیروی کارازان دم

از صفحه ۲

چون يك زن است...۵

حکومت صلاحیت رسیدگی به هیچ پرونده ای و از جمله پرونده های جنایی از این نوع را ندارد. متهمین با شکنجه وادار به اقرار میشوند و اسناد و مدارك جمع نمیشود و مورد بررسی و استناد قرار نمیگیرد و در نبود اسناد و مدارك "علم قاضی" است كه در رمورد مرگ و زندگی افراد تصمیم میگیرد.

ما خواهان لغو حكم اعدام فرزانه و در عین حال عطف توجه به شرایط او هستیم. زندگی این زن در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی نمونه مجسم فشار و بی حقوقی و بی عدالتی در آن جامعه است.

فرزانه را باید نجات داد و این دست سرمایه داران. نتیجه این مهندسی نظام اقتصادی، زنان را به اشياء چند كاره البته با تمام مصیبتهای ناشی ازمناسبات موجود تبدیل کرده است.وجود و سر برآوردن این همه جنایت، تبعیض ونابرابری ناشی ازگندیدگی نظام سیاسی اقتصادی رایج دراین جوامع با نسبیتهای خاص خود شان در جهان است. در ورای این جامعه سرمایه داری و تقسیم بندیهای نابرابر وغیر انسانی، منظور حضور گسترده وفعال وانسانی زنان، یعنی بدون در نظر گرفتن جنسیتش، این ارزشهایی كه در پایین به آن اشاره می كنم در درون زندگی واقعی انسان خوابیده است.

الف: آرامش روانی وسلامت جسمی

ب- شكوفایی خلاقیتها و مسلط شدن بشر برتمام غیر ممكنها وغلبه هرگونه ركود ورخوت سیاسی، اجتماعی واقتصادی در جامعه

پ: بسالافستن اصول واستانداردهای زندگی:

ا- اعم از تقسیم كار به شیوه ی علمی و - در عرصه های آموزش وپرورش، بهداشت ودرمان و تغذیه وسلامت و...

ب- پیشرفت های تكنولوجی و تكنولوجی وهر آنچه مربوط ومرتب به زندگی در شان انسان باشد در آن جامعه توسعه وتكامل

پیدا خواهند کرد! بدست آوردن این دنیای واقعی، تنها با برداشتن جور و بند واجبار وناخواسته های تحمیل شده برسرانسان امکان پذیر خواهد بود. نیازی به پیدا کردن راه حل های بروکراتيك وپیچیده نیست!!

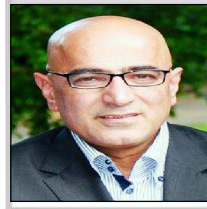
یکی از اقدامات جانبی آن این است كه تمام انسانهای قابل بكار بالای هجده سال، بدون در نظر گرفتن هیچ گونه هویتی واز جمله تبعیض جنسیتی، بتوان در جامعه شرایط كار مناسب برایشان فراهم گردد ویا اینکه از درآمد عمومی بطور ۱۰% تأمین اجتماعی شوند.

در جامعه ای كه آحاد انسانهای آن در كار وتولید نقش داشته باشند، آن جامعه به معنی واقعیش انسانی، متنوع وجذاب خواهد بود. قطعاً هم از نظر ثروت افزایی ورفاه عمومی خوش بخت ترین جامعه ویا کشور وهر گونه نامی كه بر آن كه بگذارند خواهد بود! وهم باسر كار رفتن وایجاد اشتغال برای کلیه انسانهای قادر بكار، تاثیرش بر ساعت كار حد اقل به يك پنجم امروزش خواهد رسید!؟ در مقابل: ثروت اجتماعی بصورت تساعد افزایش خواهد یافت. وآنگاه تعریف كار چنین خواهد بود: كار يك تفریح خلاقانه، با علاقه و يك هنر تخصصی در بارور نمودن شعور وآزاد کردن

نگاه هفته

مجموعه ای از
رویدادهای هفته
در شهرهای کردستان

نسان نودینیان



زمستانی و باد بادهک ها برای کودکان از این نوع اقدامات ابتکاری هستند. هر اندازه از این نوع اقدامات در شهرهای کردستان در شکل گسترده تری انجام شود تقویت اتحاد و همبستگی مردم و بخش پیشرو جامعه است. نمونه زیر مراسمی است که در روستای نی از روستاهای حومه شهر مریوان در انجام تقدیر از معلم دلسوز محمد علی محمدیان در رسانه ها منعکس شده.

اجتماعی واریز نکرده است و ادامه این روند نگران کننده به نظر می رسد. کارخانه ذوب آهن اصفهان ابراز تمایل کرده که فولاد زاگرس را احیاء کند اما به نظر می رسد سهامداران فولاد زاگرس تمایلی به این کار ندارند. بخشی از سهام معدن سنگ آهن «یاسوکنند» به سهامداران فولاد زاگرس تعلق دارد و آنها ترجیح می دهند به جای راه اندازی مجدد کارخانه، مواد خام اولیه را بفروشند. تعدادی از کارگران به نمایندگی از سایر معترضان به ملاقات «حسن رسولی» فرماندار شهرستان قروه رفته اند تا مشکلات کارگران را با وی در میان بگذارند.

سقوط و مرگ کارگر قالب بند

بهمن: کارگر قالب بند جهانگیر امینی از اهالی روستای خانقاه شویشه هنگام کار در طبقات بالای ساختمان در نزدیکی هتل شادی سنندج دچار حادثه شد و به دلیل شدت جراحات وارده جان خود را از دست داد. اعضای کمیته هماهنگی نیز مرگ این رفیق را به خانواده و دوستان وی تسلیت عرض می نماید.

مرگ از ملاقات با همسر و تنها فرزند بیمارم نیز محروم کرده اند

بهنام ابراهیم زاده: شکنجه دستجمعی یا انتقامگیری فردی بار دیگر شمشیر انتقام نیروهای امنیتی از نیام برآمد و برای چندمین بار به خاطر اعتراضات ۹ دی در زندان اوین و انتشار بیانیه هایی از جانب من در دفاع از حقوق زندانیان و کودکان کار و کارگران از همه حقوق ناچیزی که یک زندانی دارد نیز محروم شدم. بعد از یک و سال و نیم انتظار برای اعزام به بیمارستان، روز ۱۸ دی مسئولین زندان از اعزام من به بیمارستان برای مداوای دردهایم جلوگیری کردند، دردهایی که عمدتاً در زندان به آنها دچار شده ام. اما انتقام گیری به همین جا ختم نشد! آنها مرا از ملاقات با همسر و تنها

فرزند بیمارم نیز محروم کرده اند. فرزندی که در شرایط سخت روحی و شیمی درمانی نیاز به حضور و محبت پدیده دارد تا اندک کمکی برای تحمل دردهایش باشد. اگر مسئولان زندان با من مشکل دارند گناه این کودک چیست؟ آیا فرزند من کم از فرزندان عراق و سوریه و افغانستان دارد که هر روز مورد خشونت و آزار و از دست دادن والدینشان قرار می گیرند؟ آیا این نقض آشکار حقوق بشر و کرامت انسانی نیست؟ مسئولان زندان می خواهند بگویند تا وقتی از حقوق کودکان دیگر و زنان و کارگران دفاع می کنی حق دیدار با تنها فرزند بیمار را نخواهی داشت! مسئولین به دلیل انتشار مطالبم در هنگامی که بیرون از زندان بودم من را از ملاقات با فرزندم محروم کردند و از همان هنگام موفق به دیدار فرزند بیمارم نشده ام و همچنین به دلیل همین مشکلات همسر در وضعیت روحی بسیار ناگواری قرار دارد. جا دارد اینجا از همه کسانی که برای فرزندم نیما زحمت کشیده اند از جمله کادر درمانی بیمارستان محک و همسینطور مردم مهربان و دوستان خوبم تشکر کنم چرا که با این کمک ها بوده که نیما توانسته است تا حدودی روزهای خطرناک درمانش را پشت سر بگذارد اما همچنان نیاز به مراقبت های ویژه دارد. نیما همچنان باید زیر نظر پزشک باشد و به شیمی درمانی اش ادامه دهد و هر انسانی می داند که یک کودک در این شرایط نیاز به حضور پدر دارد. این شرایط سخت، شکنجه روحی محسوب می شود و اگر مسئولان فکر می کنند تا از مواضع بشر دوستانه خود، از حمایت از حقوق کودک و حقوق کارگر عقب نشینی می کنم! اگر فکر می کنند از کنار کودکان کار و کودکانی که برای امرار معاش تن نحیفشان را به خیابان می سپارند یا پس می کشم اگر فکر می کنند دوستان کارگر و زحمت کش را تنها می گذارم باید بدانند مسلماً با هزینه های سنگینی که تا کنون متحمل شده ام هرگز نه کارگران را تنها می گذارم و نه کودکان بی گناه را و همچنان بر عقاید خود پا فشاری می کنم! شرایط همسر و فرزندم و بیماری خود هر روز شرایط را برای من سخت تر و سخت تر می کند و

از صفحه ۳

تزهه کاره...

تواناییهای بشر برای زندگی کردن و در خدمت تعالی و توسعه بخشیدن به دنیای بهتر خواهد بود. اجازه بدهید اصل ماجرا را تعریف کنم.؟؟؟! در سایت یا فضای کارگاه با یکی از دوستان بطرف سالن غذا خوری در حرکت بودیم، از گرد و خاک داخل کارگاه شاکمی بودیم. مسئله آب پاشی خیابانهای اصلی را من با عده ای از مسئولین در میان گذاشتم و در این باره سرگرم صحبت بودیم. ناگهان دوستم برگشت و گفت عزیز جان تو با آب پاشی میخواهید طراوت رایبه محیط ببخشید! اما من با نگاهان یک غزال مهندس پژمرده گی جسم و جانم که ناشی از سختی محیط کار تافت فرسا بود، فراموش کردم و از تنم دررفت. با احساس آرامشی گل سنگ دلم زنجاب شد. انگاه قوٹ و خزهی قلبم که ناشی تراوت بخشیدن نندای آن نگاه بود جان گرفت؟! گسترده باد محیط های زنانه و مردانه در کار روزندگی بشر

حکمت دخالت زنان در تمام موارد کار و زندگی ضروری و دارای اهمیت است. البته این نوع از برابری، مانند ملکه شدن و رئیس جمهور شدن زنان، و یا در صف اول اقامه ی نماز و حتی زنان را در قسمت جلوی مترو و اتوبوس نشاندن یک دمکراسی بورژوازی و پوچ و توهمین آمیز است و ربطی به آزادی و برابری ندارد. زنده باد انسان بودن بدور از هرگونه مرز عقیده، جنسیت، زبان و رنگ و ملیت. فعلاً این جایگاه انسان است، البته نه به زیبایی این تصاویر. همه ما این را لمس کرده ایم اون روی سکه را هم تصور کنید!؟

جامعه ای که اساس آن انسانیت باشد

من برخلاف تمام تعبیرهای شبه لیبرالی، سوداگرانه و بسند و بست های تجاری، گستاخانه و یا از روی برنامه، ابزاری کردن انسان، باروش عوام فریبانه و...

نگاه هفته ...

در این شرایط برای رسیدن به حقوق خود باید اقدامی در پیش گیریم. ادامه وضع موجود من را ناگزیر از اعتصاب غذا به عنوان آخرین راه حل خواهد کرد. من بار دیگر بر ضرورت ملاقات با فرزند بیمارم و همچنین اعزام خودم به بیمارستان تاکید می کنم و اینها را جزئی حقوق خدشه ناپذیر خود می دانم و همچنین از همه انسانهای شریف و آزادیخواه استمداد می طلبم. رنج بی عدالتی مرا کمتر از رنج کودک بیمار من را آزاد نمی دهد. من ایستادگی می کنم ولی چه کسانی باید پاسخگو این همه بی عدالتی باشند؟ امید که همه زندانیان سیاسی به همه حقوق خود دست یابند، بی شک حمایت ها و دلگرمی های شما از بیرون زندان تاثیریه سزائی در شرایط ما و تشویق ما به ادامه راهمان دارد و همچنین مسئولین این همه بی عدالتی را در افکار عمومی زیر فشار قرار می دهد. بهنام ابراهیم زاده زندانی سیاسی اوین بند ۳۵۰-۷ بهمن ۱۳۹۲

اطلاعیه شماره ۲ خانواده فعالین کارگری دستگیر شده مهباد

به دنبال درج اطلاعیه شماره یک خانواده کارگران دستگیرشده (واحد سیده، محمد مولانایی و یوسف آب خرابات) به تاریخ ۲۱/۱۰/۹۲ و درخواست این خانواده ها جهت تشکیل کمیته دفاع از دستگیرشدگان کارگری شهر مهباد، جمع کثیری از زنان و مردان کارگر در تاریخ ۱۱/۱۱/۹۲ اقدام به تشکیل مجمع عمومی کردند. مجمع عمومی در ساعت ۱۰ صبح مورخ ۱۱/۱۱/۹۲ در شهر مهباد با حضور جمع کثیری از شرکت کنندگان که به اطلاعیه شماره یک خانواده دستگیر شدگان مهباد جواب مثبت داده بودند،

برگزار شد. ابتدا شرکت کنندگان رئیس مجمع عمومی را با رای علنی انتخاب کردند و بعد از آن هر کدام از دستگیرشدگان و خانواده های آنان توضیحاتی در مورد کمیته دفاع و ضرورت تشکیل این کمیته را به استحضار شرکت کنندگان در مجمع عمومی ارائه دادند.

مجمع عمومی با سخنان شرکت کنندگان در مورد تشکیل کمیته و ضرورت آن به کار خود ادامه داد و چند پیشنهاد برای نام گذاری کمیته به اطلاع حاضر رسید که در نتیجه کمیته ای بنام "کمیته دفاع از فعالین کارگری مهباد" (محمد مولانایی، واحد سیده و یوسف آب خرابات) از طرف مجمع عمومی به تصویب رسید. مجمع عمومی بعد از اینکه نام و مشخصات کمیته را به تصویب رساند وارد مرحله دیگر از دستور جلسه شد که انتخابات اعضای هیئت اجرایی، بازرس و سخنگو بود. نتیجه انتخابات به شرح زیر است. اعضای هیئت اجرایی: ۱- عثمان اسماعیلی ۲- زینب ایزد دوست ۳- کورش بخشنده ۴- شادی رسولی ۵- رحیم خضر سور ۶- مریم صفریانی ۷- یدالله صمدی ۸- نظام صادقی ۹- محمود صالحی .

اعضای علی البدل هیئت اجرایی ۱ - ریوار شمعی ۲- اسعد مولود زاده بازرس: ژیان صبحانی. در ادامه جلسه کورش بخشنده به عنوان سخنگوی کمیته دفاع از فعالین کارگری مهباد انتخاب شد. از تاریخ ۱۱/۱۱/۹۲ کمیته دفاع از فعالین کارگری مهباد (محمد مولانایی، یوسف آب خراباد و واحد سیده) تشکیل و رسماً کار و فعالیت خود را در راستای اهداف مصوب شده در مجمع عمومی شروع و اعلام موجودیت می کند.



زندان - و دستگیری ها

زندان مرکزی ارومیه با افزایش فشار بر زندانیان این زندان مرخصی هفتگی آنها را لغو و استفاده از کیوسک تلفن را برای آنها ممنوع کردند. این فشارها در حالی است که طی مدت ۱۴ روز گذشته (آغاز بهمن ماه) ۱۰ شهروند در زندان مرکزی ارومیه اعدام شده اند و همچنین ۲ تن دیگر نیز جهت اجرای حکم به قرظینه انتقال داده شده اند.

پس از گذشت بیش از یک هفته از بازداشت "دانا لنج آبادی" این فعال دانشجویی از بازداشتگاه اطلاعات میروان به سنجند منتقل شده است. علی رغم پیگیری های مستمر خانواده این "دانا لنج آبادی" در خصوص محل نگهداری وی، مقامات امنیتی به خانواده این فعال دانشجویی گفته اند که فرزندشان یکشنبه هفته گذشته به بازداشتگاه اداره اطلاعات سنجند منتقل شده است. دانا لنج آبادی "فعال دانشجویی و مدنی میروانی، روز شنبه ۵ بهمن در محل کارش در این شهر توسط نیروهای امنیتی بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شده بود. وی که فعالین دانشجویی دانشگاه پیام نور میروان می باشد پیشتر نیز در سال ۱۳۸۹ و به دلیل شرکت در اعتراض های دانشجویی به اعدام فرزند کمانگر، شیرین علم هولی، علی حیدریان و فرهاد وکیلی از سوی اداره اطلاعات میروان بازداشت شده بود و به یک سال حبس تعلیقی محکوم شده بود. این فعال دانشجویی که یکی از اعضای انجمن سبز چیا نیز می باشد، طی سال های اخیر بارها تلفنی به اداره اطلاعات میروان احضار شده بود.

دادگاه رژیم در شهر دیواندره برای آزادی موقت یک فعال سیاسی بازداشتی به نام "سید انور قریشی" وثیقه سنگین ۸۰۰ میلیون تومانی صادر کرد. سید انور قریشی به اتهام "همکاری مالی با احزاب اپوزیسیون" توسط نیروهای امنیتی رژیم بازداشت شده بود. وی پس از دستگیری به مدت یکماه در اداره اطلاعات رژیم در دیواندره در بازداشت بسر برد و در این مدت تحت بازجویی و انواع فشارها قرار داشت.

بی خبری از سرنوشت ۴ کولبر

از سرنوشت؛ فاخر شینودکان فرزند احمد و شاکر شینودکان فرزند احمد از اهالی روستای "گسیان" و آدم گردی پور فرزند مصطفی ساکن روستای "شیخ زرد" و خبات فرزند موسی ساکن روستای "دیزج" از مناطق مرگور که به کار کولبری مشغولند اعلام بی خبری شده. ساکنین محلی به خبرنگار گُرُپا گفته اند، به دلیل بارش برف و سقوط بهمین در کوه های مرزی با کردستان ترکیه احتمالاً کولبران گرفتار برف شده اند. این کولبران روز جمعه یازدهم بهمن ماه به منظور کولبری به روستای گلپشه ترکیه رفته بودند و تاکنون ساکنین منطقه موفق به پیدا کردن هیچکدام از این کولبران نشده اند و سرنوشت این کولبران در هاله ای از ابهام قرار دارد.

تجمع اعتراضی به علت قتل های مشکوک

به دنبال چندین مورد مرگ مشکوک در اسلام آباد غرب، اوایل هفته جاری تجمعی اعتراضی در مقابل فرمانداری این شهر برپا گردید. مردم خواهان تامین آسایش و امنیت در شهر و استانشان شدند. این تجمع اعتراضی به علت قتل های مشکوک در این شهر صورت گرفته و معترضین از بلوار "معلم" تا میدان "امام" راهپیمایی کردند. نیروهای امنیتی - انتظامی خواستند که معترضین را پراکنده نمایند اما با مقاومت مردم روبرو شدند و با سر دادن شعار تا مقابل درب فرمانداری اسلام آباد به اعتراض خود ادامه دادند.

شیلان ابراهیمی ساکن روستای "دوله گرم" از توابع سردشت به دلیل اختلافات خانوادگی "خود را از پشت بام به پایین انداخته و جان خود را از دست داده است. شیلان ابراهیمی از همسرش دوبار درخواست طلاق کرده، اما همسر او هیچ جوابی به وی نداده است. شیلان پس از دو روز بستری در بیمارستان شهر سردشت به دلیل ضربه مغزی جانش را از دست داد.

جمع آوری دیشهای ماهواره در کامیاران

۱۲ بهمن: طی چند روز گذشته نیروهای انتظامی رژیم با همکاری اداره ای اماکن و اداری آگاهی با یورش به شهرک "تروز" واقع در یک کیلومتری کامیاران اقدام به جمع آوری دیشهای ماهواره کردند. این نیروها بدون اطلاع قبلی و بدون مجوز دادگستری، از دیوارها و دروازه منازل بالا رفته و دیشهای ماهواره را جمع آوری کرده با خود بردند.

تشدید فشارهای کارگزاران رژیم بر گروههای مختلف مردم شهر روانسر با هدف کشاندن آنها به مراسم دولتی "دهه فجر" حکایت دارد.

نیروهای پلیس راهور به همراه اداره تاکسیرانی شهر روانسر کلیه تاکسی های این شهر را جمع و به رانندگان آنها اعلام کردند که به مناسبت مراسم دولتی دهه فجر و ۲۲ بهمن بایستی عکس های خینی و خامنه ای و پرچم رژیم را بر روی خودروهای خود نصب کنند. کارگزاران رژیم تهدید کردند افرادی که از این کار سر باز بزنند به دادگستری معرفی خواهند شد. مزدوران رژیم تاکسی ها را در خیابانها و کوچه های سطح شهر به حرکت درآوردند و باعث ایجاد ترافیک سنگینی شدند و همچنین مشکلات زیادی در زمینه جابجایی برای مسافران بوجود آوردند. همچنین فرمانداری رژیم نیز به کلیه دهداران منطقه اعلام کرده است که باید به همین مناسبت در روستاهایشان پلاکاردها و پرچم رژیم را نصب کنند.

با نهایت تاسف با خبر شدیم که کاک احمد رحمتی پدر رفقای جانبخته صفوف کومه له فخرالدین رحمتی مشهور به فخره نوره و علا رحمتی در سنجند فوت نموده است و جنازه ایشان را در روستای نوره در میان غم و اندوه بستگان و جمع کثیری که از سنجند در این مراسم شرکت نموده بودند، به خاک سپرده شد. (بخش خبر سایت سازمان کردستان حزب کمونیست ایران - کومه له) کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران در گذشت کاک احمد را به خانواده ایشان تسلیت میگوید.

شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

سوئد:
Sweden
Post Giro: 6396060-3
account holder: IKK

آلمان:
Germany
Rosa Mai
Konto. Nr.: 583657502
Bankleitzahl: 37010050
Post Bank

کانادا:
Canada
ICRC
Scotiabank
4900
Dixie Rd, Mississauga
L4W2R1
Account #: 843920026913

هلند:
Bank: RABOBANK
Darande hesab: FVIVN
Shomare hesab: 99-41581083
Adres: EINDHOVEN
IBAN No: NL774 RABO 0151350248

آمریکا:
Bank of America
G Street, Blaine, Wa 98230277
phone # 1-360-332-5711
Masoud Azarnoush
Account number : 99-41581083
wire: ABA routing # 026009593
Nrswwift code : BOFAUS

شماره حساب انگلیسی
ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:
England
Account nr. 45477981
sort code: 60-24-23
Account hold: wpi
branch: Wood Green
Bank: NatWest
NWBK IBAN: GB 77 NWBK6024235477981
BIC: NWBK GB 2L

در زمینه کمک مالی چنانچه سوالی داشته باشید
می توانید با شماره های زیر تماس بگیرید:

از اروپا:

سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱

از ایران:

شهلا دانشفر: ۰۰۴۶۷۷۹۸۹۸۹۶۸
عبدل گلپریان: ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰

صفحه بندی: فرزام کرباسی

تلفن و ای مایل آدرس تماس با سردبیر

Tel: 00358 405758250

E-mail: abdolgolparian1@gmail.com

همکار نشریه ایسکرا: فرزام کرباسی

E-mail: farzam.karbasi@gmail.com

حزب کمونیست کارگری چپ عراق
از تظاهرات معلمان سلیمانیه حمایت می کند

نشده است اما قدم مهمی برای تقابل با قدرتمندان و سرمایه داران کردستان است و هموار نمودن راه برای اعتراض مابقی بخشهای دیگر که نگذارند سرمایه داران با سرنوشت مردم این کشور بازی کنند و لقمه دهن کودکان را از آنان بگیرند.

حزب کمونیست کارگری چپ عراق از تمامی خواستهای معلمان سلیمانیه و جاهای دیگر حمایت می کند و اعلام می کند که مردم کردستان در مقابل کشاکش میان جناحهای مختلف بورژوازی عراق و تقسیم ثروت این کشور و غارت هستی جامعه مسئول نیستند. آنان خواستار حقوقی هستند که فقط کفاف یک زندگی بخور و نمیر را می دهد که از حداقل دستمزد هم کمتر است.

همچنین حزب توجه معلمان را به این مسئله جلب می کند که تا تحقق خواستهایشان به هیچ گونه وعده و وعیدی تن ندهند و مردم کردستان را فرا می خواند که از اعتراضات و نارضایتی های معلمان حمایت کرده و نگذارند مشتری سرمایه دار سرنوشت مردم کردستان را گرو بگیرند.

کارگران، معلمان و کارمندان کردستان باید این را بدانند که این کشاکشی میان سرمایه داران و طبقه کارگر و اقشار مختلفی است که شرایطی همچون کارگران دارند و همزمان برای بهتر نمودن سطح زندگی خود تلاش می کنند.

باید مبارزه برای از بین بردن سیستم سرمایه داری و استثمار انسان از انسان که بانی تمامی این فلاکت است را به هدف اصلی خود تبدیل کرد و برای از بین بردن این سیستم ظالمانه و وارونه تلاش کرد.

پیروز باد اعتصاب
معلمان کردستان
زنده باد سوسیالیسم
حزب کمونیست کارگری
چپ عراق
۳ فوریه ۲۰۱۴

اعتصاب معلمان و تظاهرات آنان باید بطور جدی مورد حمایت قرار بگیرد و قدم مهمی در راستای قدم گذاشتن جامعه و اقشار مختلف مردم برای دفاع از خود و خانواده هایشان است. اگر هر گونه خللی در عقب افتادن دانش آموزان در سطح آموزش آنان ایجاد شده باشد، این حکومت محلی است که در مقابل آن مسئول است نه معلمان. این کشاکشی طبقاتی است که سرپای جامعه را فرا گرفته است. تقابل میان فقر و ثروت، سرمایه داران و قدرتشان گلوی جامعه را گرفته و شب و روز سرگرم چپاول ثروت جامعه و کارگران و تمامی اقشاری که در جامعه به صف کارگران رانده شده اند، همچون معلمان که شب و روز رنج می کشند و عرق می ریزند و خواب راحتی ندارند اما از ابتدایی ترین نیازمندیهایشان محروم هستند شده است.

سوال این است که چرا سه ماه قبل بودجه موجود بود و حقوقها پرداخت می شد اکنون چه اتفاقی افتاده است که پرداخت نمی شود؟ آیا کردستان دچار زمین لرزه شده و سیلاب آمده است؟ آیا تانکرهای نفت کش توقف کرده اند و نفت بفروش نمی رسد؟ در حالیکه با زبان خود اعلام می کنند که در ماه ۳ میلیون بشکه نفت از عراق به خارج صادر می شود. این آمار رسمی است. این جدای از ارسال نفت به چندین کمپانی خصوصی دیگر است. با توجه به این کارگران و معلمان باید چه بجا بدهند؟ چرا باید به شعار دروغین "سربلندیم را برای حقوق هم اگر نباشد پایین نمی آرم!!"، گردن نهند. شعاری که بیش از بیست سال است که احزاب ناسیونالیست خزیده در قدرت و سرمایه داران کردستان در پناه آن میلیارد میلیارد را برای خود انباشت کرده اند.

اعتصاب معلمان اگر چه در موضعی دفاعی قرار دارد و خواهان حقوقی هستند که بهشان پرداخت

مدتی است که کشاکش بر سر عدم پرداخت دستمزدها در کردستان علی العموم و بویژه در سلیمانیه شروع شده است و تا کنون بیشتر وزارتخانه ها حقوق ژانویه ۲۰۱۴ را پرداخت نکرده اند. به همین خاطر روز دوشنبه سوم فوریه معلمان از رفتن به سر کلاسهای درس خودداری کردند و بخشی از آنان جاده سلیمانیه - تاسلوچه را مسدود کردند که تا نوشتن این اطلاعیه این وضعیت همچنان ادامه دارد. اتحادیه معلمان کردستان نیز در تلاش برای خنثی کردن اعتراض معلمان ناراضی می خواهد با وعده و وعیدهای حکومت محلی، معلمان را به سکوت وادارد.

مشکل نبود پول در بانکهای کردستان و عدم پرداخت حقوق کارگران، معلمان و دیگر مزدبگیران به موضوع تمامی دستگاہهای خبررسانی تبدیل شده است و تعدادی از مسئولان این معضل را به ناتوانی در اداره امور بانکی، و تعدادی آنرا به حکومت مرکزی بغداد ربط می دهند که گویا بغداد بودجه نمی فرستد و یا اینکه بخشی از بودجه را قطع کرده است و این به معضل انباشته شده ای تبدیل شده است. تعدادی هم این مشکل را در کردستان مابین اربیل و سلیمانیه ارزیابی می کنند. تا کنون این مسئله بطور مستقیم بر وضعیت زندگی مردم و افزایش فقر و ایجاد نگرانی در میان شهروندان تاثیر گذاشته است.

اما آنگونه که پیداست این مسئله تنها به کردستان خلاصه نمی شود بلکه عدم پرداخت حقوقها در سراسر عراق ادامه دارد و در هفته گذشته کارگران کارگاه نساجی بابل و همچنین در چندین رشته دیگر تولیدی اعتصاب شروع شده و در کردستان نیز از آنجا که وارد هفته اول فوریه شده ایم اما تا کنون چندین وزارت خانه حقوقهای ژانویه را دریافت نکرده اند.

سرنگون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!